

پیش‌بینی سبک‌های هویت بر اساس سبک‌های دلبستگی

نویسندگان: دکتر رزیتا امانی^{۱*} و محمدرضا مجذوبی^۲

۱. استادیار دانشگاه بوعلی سینا

۲. کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه رازی کرمانشاه

* E-mail: ramani@basu.ac.ir

چکیده

پژوهش حاضر به منظور پیش‌بینی سبک‌های هویت بر اساس سبک‌های دلبستگی انجام شد. روش پژوهش، توصیفی از نوع همبستگی بود. نمونه این مطالعه شامل ۱۳۰ نفر از دانشجویان دانشگاه بوعلی‌سینا بود که با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شده بودند. سبک‌های دلبستگی به وسیله مقیاس دلبستگی بزرگسال هازن و شاور و سبک‌های هویتی به وسیله پرسش‌نامه سبک‌های هویت برزونسکی سنجیده شد. یافته‌ها نشان دادند که رابطه‌ای معنی‌دار میان سبک‌های دلبستگی و سبک‌های هویت وجود دارد. رابطه‌ای معنی‌دار میان جنس و سبک هویت وجود دارد. اما رابطه‌ای معنی‌دار میان جنس و سبک دلبستگی وجود ندارد. رابطه‌ای معنی‌دار و مثبت میان سبک دلبستگی ایمن و سبک هویت اطلاعاتی و رابطه‌ای معنی‌دار و منفی میان سبک دلبستگی ایمن و سبک هویت هنجاری وجود دارد؛ میان سبک دلبستگی ایمن و سبک هویتی سردرگم نیز رابطه‌ای معنی‌دار و منفی وجود دارد. سبک دلبستگی ایمن، توان پیش‌بینی سبک هویت اطلاعاتی را دارد. این یافته‌ها بار دیگر، نقش بنیادی و پویای کیفیت پیوندهای عاطفی نخستین میان کودک و مادر را در شکل‌گیری، استقرار و تداوم اعتماد اساسی، پیوندجویی، اکتشاف‌گری، تجربه‌آموزی، قدرت مواجهه، حل مسئله و به ویژه، هویت، برجسته می‌سازد.

کلیدواژه‌ها: سبک‌های دلبستگی، سبک‌های هویت و دانشجو.

روان‌شناسی بالینی و شخصیت

دانشور
رشتار

• دریافت مقاله: ۸۸/۹/۲۶

• پذیرش مقاله: ۸۹/۱۰/۱۵

*Scientific-Research Journal
Of Shahed University
Third Year, No.5
Autumn & Winter
2011 – 2012*

Clinical Psy & Personality

دوفصلنامه علمی - پژوهشی

دانشگاه شاهد

سال سوم - شماره ۵

پاییز و زمستان ۱۳۹۰

مقدمه

شکل‌گیری هویت و دستیابی به تعریفی منسجم از خود، مهم‌ترین جنبه رشد روانی و اجتماعی انسان است. انتخاب ارزش‌ها، باورها و اهداف زندگی، مهم‌ترین مشخصه‌های اصلی هویت را در دوره نوجوانی و جوانی تشکیل می‌دهند. در مطالعه شخصیت انسان، «هویت» جنبه اساسی و درونی است که به کمک آن، فرد با گذشته خود ارتباط یافته، در زندگی احساس تداوم و یکپارچگی می‌کند.

شکل‌گیری هویت، ترکیبی از مهارت‌ها، جهان‌بینی و همانندسازی‌های دوران کودکی است که به صورت یک کل کم و بیش منسجم، پیوسته و منحصر به فرد در می‌آید که برای فرد، حس تداوم گذشته و جهت‌گیری به سوی آینده را فراهم می‌سازد (۱).

اریکسون بر این باور است که شکل‌گیری و پذیرش هویت فرد، تکلیفی به‌طور کامل، دشوار و اضطراب‌زاست. افرادی که به هویتی قوی دست می‌یابند، برای رویارویی با مسائل بزرگسالی آماده می‌شوند و افرادی که نمی‌توانند به چنین هویتی دست یابند، بحران هویت را تجربه می‌کنند؛ چنین افرادی نمی‌دانند کیستند یا چه هستند، به کجا تعلق دارند یا می‌خواهند به کجا بروند؛ در نتیجه ممکن است از مسیر بهنجار زندگی، تحصیل، شغل و ازدواج کناره‌گیری کنند (۲).

جدیدترین نظریه در حوزه هویت که مبنای نظری این پژوهش به‌شمار می‌رود، نظریه سبک‌های هویت برزنونسکی^۱ است که الگویی شناختی- اجتماعی دارد. مدل پردازش شناختی- اجتماعی هویت به مطالعه راهبردها و فرایندهایی می‌پردازد که افراد برای ساخت و اصلاح هویت خود به آنها توجه کرده یا از آنها اجتناب می‌کنند؛ براساس این دیدگاه، هویت ساختاری شناختی و چارچوب ارجاعی شخصی است که برای تفسیر تجارب و اطلاعات مربوط به خود و پاسخ به پرسش‌هایی درباره مفهوم معناداری و هدف زندگی به‌کار گرفته می‌شود. مدل شناختی- اجتماعی هویت بر سازندگی مبتنی است، یعنی افراد نقش‌های فعالی در ساختن تفکر خود درباره اینکه چه کسی هستند، ایفای می‌کنند. هنگامی که تلاش‌های سازگارانۀ موفقیت‌آمیز نباشد، نیاز به بازبینی و اصلاح جنبه‌هایی از ساختار هویت شکل می‌گیرد؛ بر این اساس، رشد هویت، مبادله

دیالکتیکی است میان فرایندهایی که به‌وسیله ساختار هویت اداره می‌شود و فرایندهای انطباقی که توسط بافت‌های فیزیکی و اجتماعی که فرد در آن زندگی و رشد می‌کند، هدایت می‌شوند؛ این سبک‌ها به راهبردها و فرایندهای مواجهه با تعارض‌های هویت اشاره دارند؛ به عبارت دیگر، سبک‌های هویت، ترجیح نسبی افراد برای به‌کارگیری شیوه‌های خاص حل مسائل هویتی و پردازش اطلاعات مربوط به خود است (۳). سبک‌های هویتی از نظر برزنونسکی، موارد زیر را دربرمی‌گیرند:

۱- سبک اطلاعاتی^۲: افراد دارای سبک اطلاعاتی به صورت فعال و آگاهانه به جستجوی اطلاعات و ارزیابی آنها می‌پردازند و سپس اطلاعات مناسب را استفاده می‌کنند (۳).

۲- سبک هنجاری^۳: در سبک هنجاری، فرد در مواجهه با مسائل به شیوه‌ای واکنشی و هماهنگ با انتظارات گروه‌های مرجع و دیگران عمل می‌کند و به صورت خودکار و بدون خودارزیابی، ارزش‌ها و باورها را درونی می‌کند (۴). این سبک با ویژگی‌هایی مانند وظیفه‌شناسی مفرط، کمک‌خواهی، ناشکیبایی و میل شدید به ساختارمندی قضایا، خودپنداره پایدار و عدم تمایل به بررسی اطلاعات ناهمگام با ارزش‌ها و باورها رابطه دارد (۴).

۳- سبک سردرگم- اجتنابی^۴: افراد دارای سبک سردرگم- اجتنابی، اهمال‌کارند و تا حد ممکن سعی دارند موقعیت‌های تعارض‌برانگیز و مستلزم تصمیم‌گیری را به تأخیر بیندازند؛ در مواقعی که امکان چنین تأخیری وجود نداشته باشد، در تصمیم‌گیری بیشتر به مقتضیات و پیامدهای محیطی تکیه می‌کنند (۴)؛ در مواقع تصمیم‌گیری، حس ترس و اضطراب نیز دارند و در این موقعیت‌ها اغلب از راهبردهای نامناسب مانند اجتناب، بهانه آوردن و دلیل تراشی استفاده می‌کنند. رفتار آنها موقعیتی بوده، الگویی مشخص ندارد. این سبک هویت با هیجان‌مداری، راهبردهای نامطلوب تصمیم‌گیری، خودآگاهی محدود، دیگر پیروی و به‌کارگیری راهبردهای اسنادی و شناختی ناکارآمد رابطه دارد (۴).

1- Berzonsky
2- informative style
3- normative style
4- diffuse-avoidant style

مثبت معناداری با انسجام هویتی و رابطه منفی معناداری با آشفتگی هویتی دارد (۱۱). بررسی تاریخچه و یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد که نظریه دلبستگی نه تنها منشأ آثاری مهم بر روان‌شناسی تحولی و روان‌شناسی شخصیت بوده، بلکه تأثیری غیرقابل اغماض بر آسیب‌شناسی روانی و ابعاد مختلف روان‌درمانی داشته‌است؛ از طرف دیگر، با توجه به جوان بودن جمعیت کشور ما، پیش‌بینی ویژگی‌های جوانان با توجه به نوع هویت، همگی بر این موضوع مهر تأییدی زنند که هویت و متغیرهای مربوط به آن، باید مورد بررسی دقیق قرار گیرد. از آنجاکه سبک‌های دلبستگی، یکی از اساسی‌ترین نقش‌ها را در نگرش فرد نسبت به خود و روابط افراد با یکدیگر بازی می‌کند و همچنین یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در روابط و کسب هویت است، بنابراین شناخت سبک‌های دلبستگی و موارد مرتبط با آن به‌خصوص با توجه به بافت فرهنگی - اجتماعی جامعه در زمره موضوع‌های مهم و ضروری برای انجام پژوهش حاضر است؛ لذا هدف از این پژوهش، بررسی رابطه میان سبک‌های دلبستگی و هویت و پیش‌بینی سبک‌های هویت بر اساس سبک‌های دلبستگی است.

روش

آزمودنی

روش تحقیق در این مطالعه، توصیفی از نوع همبستگی بوده‌است. جامعه آماری این پژوهش شامل همه دانشجویان دختر و پسر مقطع کارشناسی ناپیوسته دانشگاه بوعلی سینا در سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷ است که طبق آمار اخذ شده از اداره آموزش دانشگاه، تعداد این افراد ۲۶۰ نفر است. تعداد گروه نمونه با توجه به جدول تعیین حجم نمونه مورگان ۱۵۵ نفر برآورد شد (۱۲) که برای حذف اثر پرسش‌نامه‌های بی‌اعتبار تعداد ۱۶۰ نفر در نظر گرفته شد. پس از حذف پرسش‌نامه‌های بی‌اعتبار، تعداد ۱۳۰ پرسش‌نامه (۶۵ پسر و ۶۵ دختر) مورد تحلیل نهایی قرار گرفتند. نمونه‌گیری با استفاده از روش

به‌نظرمی‌رسد یکی از عوامل مهم اثرگذار در کسب هویت، سبک دلبستگی فرد باشد. دلبستگی عبارت است از موقعیتی عمیق و پایدار زیستی، روان‌شناختی و اجتماعی که بر اساس ارتباط میان کودک و مراقبان او در سال‌های اولیه زندگی شکل می‌گیرد (۵)؛ طرف‌داران این نظریه معتقدند که به احتمال زیاد سبک دلبستگی کودک بر اساس الگوهای فعال درونی^۱ از خود و نگاره‌های دلبستگی تا بزرگسالی ادامه می‌یابد و در روابط بزرگسالی منعکس می‌شود (۶). الگوهای فعال درونی، یعنی باورها، انتظارات و احساسات فرد درباره حساسیت و پاسخ‌دهندگی نگاره‌های دلبستگی به نیازهای وی و ارزش و شایستگی‌هایی را دربرمی‌گیرد که فرد برای خود در یافتن توجه و محبت از دیگران قائل است. پرو پژوهش‌های «بالبی»، «اینزورث»، «بهرلر»، «واترز» و «وال»، سه سبک دلبستگی ایمن^۲، اجتنابی^۳ و دوسوگرا^۴ را تشخیص دادند. ویژگی‌های بهنجار و نابهنجار روابط بین فردی به گونه‌ای عمیق از سبک دلبستگی اشخاص تأثیر می‌پذیرد (۶).

بر اساس نتایج پژوهش‌ها، دلبستگی ایمن با ویژگی‌های ارتباطی مثبت شامل صمیمیت و خرسندی، دلبستگی اجتنابی با سطوح پایین‌تری از صمیمیت و تعهد، و دلبستگی دوسوگرا با شور و هیجان و دل‌مشغولی درباره روابط توأم با خرسندی کم، مرتبط است (۷).

در تحقیق‌هایی متعدد رابطه میان دو سازه هویت و دلبستگی مورد مطالعه قرار گرفته‌اند که نتایج آنها با هم متفاوت است؛ در بعضی از این تحقیق‌ها میان دلبستگی ایمن و پایگاه هویت موفق، رابطه مثبت و میان دلبستگی ایمن و پایگاه هویت سردرگم، رابطه منفی به‌دست آمده‌است. در تحقیق‌هایی دیگر، میان دلبستگی ایمن و پایگاه هویت پیش‌رس رابطه‌ای مثبت به‌دست آمده‌است و در بعضی تحقیق‌ها، هیچ‌گونه رابطه‌ای میان این دو سازه به‌دست نیامده‌است (۸). نتایج پژوهش «اویلا»، «کابرال» و «ماتوس» روی ۲۳۶ دانشجوی کارشناسی، از رابطه‌ای معنادار میان سبک‌های دلبستگی و سبک‌های هویت حکایت دارد (۹). نتایج مطالعات انجام‌شده نشان می‌دهد که دلبستگی ایمن میان مادر و فرزند، فرایند رشد هویت را سهولت می‌بخشد (۱۰). نتایج مطالعه «باکر»^۱ نشان داد که دلبستگی ایمن، ارتباط

1- internal working model
2- secure
3- avoidant
4- ambivalence
5- Avila, Cabral & Matos
6- Baker

چند مرحله‌ای خوشه‌ای انجام شد؛ به این ترتیب که نمونه مورد بررسی در دو مرحله و به صورت تصادفی از جامعه پژوهش انتخاب شد؛ در مرحله اول، از تعداد شش دانشکده از مجموع دانشکده‌های دانشگاه بوعلی سینا، سه دانشکده انتخاب و سپس دو کلاس از هر دانشکده به صورت تصادفی انتخاب شدند. پس از هماهنگی‌های لازم با مسئولان مرتبط و جلب مشارکت و همکاری آزمودنی‌ها و بیان هدف پژوهشی برای آنها، پرسش‌نامه‌های دلبستگی بزرگسال و مقیاس سبک‌های هویت، میان آنها تقسیم و از آنها خواسته شد تمام ماده‌های آزمون‌ها را با دقت بخوانند و پرسش‌نامه‌ها را تکمیل کنند؛ همچنین به منظور کنترل تأثیر ترتیب آزمودنی‌ها، در نیمی از پرسش‌نامه‌ها، سبک دلبستگی و در نیمی دیگر، سبک هویت در ابتدا قرار داده شده بود. میانگین وقت لازم برای تکمیل پرسش‌نامه‌ها ۲۰ تا ۳۰ دقیقه بود.

ابزارهای تحقیق

● پرسش‌نامه سبک هویت برزونسکی: مقیاسی ۴۰ پرسشی است که ۱۱ پرسش آن مربوط به مقیاس اطلاعاتی، ۹ پرسش آن مربوط به مقیاس هنجاری، ۱۰ پرسش مربوط به مقیاس سردرگم یا اجتنابی و ۱۰ پرسش دیگر مربوط به مقیاس تعهد است. پاسخ آزمودنی‌ها به پرسش‌هایی به شکل طیف لیکرت پنج درجه‌ای و شامل به طور کامل، مخالف=۱ تا به طور کامل، موافق=۵ است. پایایی درونی (ضریب آلفا) مقیاس اطلاعاتی ۰/۶۲، مقیاس هنجاری ۰/۶۶ و مقیاس سردرگم ۰/۷۳، گزارش شده است (۱۳). در مطالعه غضنفری، ضرایب آلفا برای مقیاس سردرگم/اجتنابی (برگه اصلی ۰/۷۷=آلفا) بیشتر از مقیاس هنجاری (برگه اصلی ۰/۶۷=آلفا) و مقیاس اطلاعاتی (برگه اصلی ۰/۶۴=آلفا) گزارش شده است (۱۳)؛ با بررسی روایی همگرا مشاهده کردند که نمرات خام هر دو مقیاس بسیار شبیه به هم هستند؛ ضریب همبستگی این دو برگه نیز بالا و معنی‌دار بود.

● مقیاس دلبستگی بزرگسال هازن و شاور: سبک دلبستگی آزمودنی در این بررسی به کمک مقیاس دلبستگی بزرگسال تعیین شد؛ این مقیاس با بهره‌گیری از مواد آزمون دلبستگی هازن و شاور^۱ ساخته و روی

دانشجویان دانشگاه تهران هنجاریابی شده است (۱۴). این آزمون سه سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا را به کمک ۲۱ ماده در مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت (هیچ=۱، کم=۲، متوسط=۳، زیاد=۴ و خیلی زیاد=۵) می‌سنجد. در این پژوهش، افرادی که در نمره‌گذاری نهایی، امکان طبقه‌بندی در هیچ‌یک از سبک‌ها را نداشتند حذف شدند. ضریب آلفای کرونباخ پرسش‌های هریک از زیر مقیاس‌های ایمن، اجتنابی و دوسوگرا درباره ۲۴۰ دانشجوی برای کل آزمودنی‌ها به ترتیب ۰/۷۴، ۰/۷۲، ۰/۷۲، ۰/۷۱، ۰/۶۹ و برای دانشجویان پسر ۰/۷۳، ۰/۷۱، ۰/۷۲ تعیین شود که نشانه همسانی درونی مقیاس دلبستگی بزرگسال است. بررسی پایایی بازآزمایی مقیاس دلبستگی بزرگسال برای یک نمونه ۳۰ نفری در دو نوبت با فاصله دو هفته برای کل آزمودنی‌ها ۰/۹۲، آزمودنی‌های پسر ۰/۹۳ و آزمودنی‌های دختر ۰/۹۰ بوده است. اعتبار محتوایی مقیاس بزرگسال با سنجش ضرایب همبستگی میان نمره‌های ۴ نفر از متخصصان روان‌شناسی مورد بررسی قرار گرفت. براساس نتایج به دست آمده، ضرایب همبستگی از ۰/۷۳ تا ۰/۷۶ برای سبک دلبستگی ایمن، از ۰/۶۰ تا ۰/۷۶ برای سبک دلبستگی اجتنابی و از ۰/۶۳ تا ۰/۸۷ برای سبک دلبستگی دوسوگرا محاسبه شد (۱۴).

شیوه تحلیل داده‌ها

در این بررسی از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی (همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیره) استفاده شده است.

نتایج

میانگین سنی آزمودنی‌ها، ۲۲ سال (انحراف معیار ۱/۷ و دامنه ۱۹ تا ۲۶ سال) و میزان تحصیلات، دانشجوی کارشناسی بود.

به منظور بررسی رابطه میان جنس و سبک‌های دلبستگی از آزمون مجذور کای استفاده شد که نتایج آن در جدول ۱ مشاهده می‌شود.

جدول ۱. رابطه میان جنس و سبک‌های دلبستگی

	ایمن		اجتنابی		دوسوگرا		کل	
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
زن	۶۲/۱	۴۱	۲۴/۲	۱۶	۱۳/۶	۹	۶۶	۱۰۰
مرد	۶۴/۱	۴۱	۱۴/۱	۹	۲۱/۹	۱۴	۶۴	۱۰۰
کل	۶۳/۱	۸۲	۱۹/۲	۲۵	۱۷/۷	۲۳	۱۳۰	۱۰۰

جدول ۲. رابطه میان جنس و سبک‌های هویت

	اطلاعاتی		هنجاری		سردرگم		کل	
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
زن	۵۳/۳	۳۲	۴۱/۷	۲۵	۵	۳	۶۰	۱۰۰
مرد	۷۲	۳۶	۱۶	۸	۱۲	۶	۵۰	۱۰۰
کل	۶۱/۸	۶۸	۳۰	۳۳	۸/۲	۹	۱۱۰	۱۰۰

جدول ۳. ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه میان

سبک‌های دلبستگی و سبک‌های هویت

	سبک‌های هویت		
	اطلاعاتی	هنجاری	سردرگم
سبک‌های دلبستگی ایمن	۰/۳۴**	-۰/۳۱**	-۰/۴۲**
اجتنابی	-۰/۳۷**	۰/۱۱	۰/۱۸*
دوسوگرا	-۰/۱۶*	۰/۰۲	۰/۵۱**

**P<0/01 * P<0/05

برای بررسی رابطه میان سبک‌های دلبستگی و هویت اطلاعاتی از آزمون مجذور کای استفاده شد که نتایج آن در جدول ۳ نشان داده شده است.

با توجه به جدول ۳، مشاهده می‌شود که رابطه‌ای معنی‌دار و مثبت میان سبک دلبستگی ایمن و سبک هویتی اطلاعاتی وجود دارد ($r = 0/34$, $P < 0/01$). میان سبک دلبستگی ایمن و سبک هویتی هنجاری رابطه معنی‌دار منفی وجود دارد ($r = -0/31$, $P < 0/01$); میان سبک دلبستگی ایمن و سبک هویتی سردرگم نیز رابطه معنی‌دار و منفی هست ($r = -0/42$, $P < 0/01$). میان سبک دلبستگی اجتنابی و سبک هویت اطلاعاتی، ارتباطی منفی و معنی‌دار وجود دارد ($r = -0/37$, $P < 0/01$). اما میان سبک دلبستگی اجتنابی با سبک هویتی سردرگم رابطه‌ای معنی‌دار و مثبت نیست ($r = 0/18$, $P < 0/05$); میان سبک دلبستگی اجتنابی و سبک هویتی هنجاری نیز رابطه‌ای معنی‌دار وجود ندارد ($r = 0/11$, $P > 0/05$). میان سبک دلبستگی دوسوگرا و سبک هویتی اطلاعاتی رابطه‌ای معنی‌دار و منفی وجود دارد ($r = -0/16$, $P < 0/05$); اما میان این سبک دلبستگی با سبک هویتی سردرگم رابطه معنی‌دار مثبتی وجود دارد ($r = 0/51$, $P < 0/01$); میان سبک دلبستگی دوسوگرا و سبک هویتی هنجاری نیز رابطه‌ای معنی‌دار وجود ندارد ($r = 0/02$, $P < 0/05$).

با توجه به نتیجه آزمون مجذور کای انجام شده، ($X^2=3/01$, $d.f= 2$, $P>0/05$ Sig=0/22)، رابطه‌ای معنی‌دار میان جنس و سبک دلبستگی وجود ندارد. به‌منظور بررسی رابطه میان جنس و سبک‌های هویت از آزمون مجذور کای استفاده شد که نتایج آن در جدول ۲ قابل مشاهده است.

با توجه به نتیجه آزمون مجذور کای انجام شده، رابطه‌ای معنی‌دار میان جنس و سبک هویت وجود دارد ($X^2=9/15$, $d.f= 2$, $P>0/05$, Sig=0/01). درصد سبک‌های هویتی اطلاعاتی و سردرگم در میان مردان بیشتر از زنان است. ولی درصد سبک هویتی هنجاری در میان زنان بیشتر است.

جدول ۴. میانگین و انحراف معیار نمرات سبک‌های هویتی افراد بر حسب سبک‌های دلبستگی آنها

سردرگم	هنجاری		اطلاعاتی		
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	
انحراف معیار					
۷/۵۹	۲۳/۵۲	۵/۵۱	۲۹/۹۳	۶/۱۷	افراد ایمن
۷/۱۶	۲۷/۵۷	۵/۱۹	۳۳/۴۸	۸/۹۹	افراد اجتنابی
۷/۰۱	۲۹/۶۸	۶/۱۲	۲۸/۷	۷/۵۷	افراد دوسوگرا
-	۷/۷۵	-	۵/۲۰	-	F
-	۰/۰۰۱	-	۰/۰۰۷	-	Sig

جدول ۵. تحلیل رگرسیون چندمتغیری برای پیش‌بینی سبک هویتی اطلاعاتی بر اساس سبک‌های دلبستگی

منبع تغییرها	d.f	SS	MS	F	Sig	R	R ²	B	Beta	خطای معیار	t
رگرسیون	۲	۱۵۱۴/۰۴۲	۷۵۷/۰۲۱	۱۷/۰۷	۰/۰۰۱	۰/۴۳	۰/۱۸				
باقی مانده	۱۴۷	۶۵۱۶/۷۳۱	۴۴/۳۳۲								
مجموع	۱۴۹	۵۶۹۲/۴۴۰									
مقدار ثابت					۰/۰۰۱			۳۷/۲۰۵	-	۵/۰۵	۷/۳۶
ایمن					۰/۰۰۳			۰/۴۹۴	۰/۲۴	۰/۱۵	۳/۰۴
اجتنابی					۰/۰۰۱			-۰/۵۴۳	-۰/۲۸	۰/۱۶	-۳/۶
دوسوگرا					۰/۱۷			-۰/۳۳۲	-۰/۱۶	۰/۱۲	-۱/۳۷

متغیرهای پیش‌بین: سه سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا / متغیر وابسته: سبک هویتی اطلاعاتی

توجه به اینکه ($F = ۷/۷۵, P < ۰/۰۱$)، بنابراین تفاوت میانگین‌ها معنی‌دار است.

به منظور پیش‌بینی هریک از سبک‌های هویت بر اساس سبک‌های دلبستگی، از رگرسیون چندمتغیره استفاده شد که نتایج آن در جدول‌های ۵، ۶ و ۷ نشان داده شده است. نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام ارائه شده در جدول ۵ نشان می‌دهد که نمرات سبک هویتی اطلاعاتی در سه سبک دلبستگی (ایمن، اجتنابی و دوسوگرا) با یکدیگر تفاوتی معنی‌دار دارند ($F = ۱۷/۰۷, P < ۰/۰۱$). با توجه به مقدار R^2 ، سبک‌های دلبستگی می‌توانند ۱۸٪ سبک هویتی اطلاعاتی افراد را پیش‌بینی کنند ($R^2 = ۰/۱۸$). به منظور واری میزبان و جهت تأثیر سبک‌های دلبستگی بر سبک هویتی اطلاعاتی ضرایب رگرسیون نیز واری شدند؛ نتیجه این بررسی در جدول ۵ آمده است. همان‌طور که در این جدول مشاهده می‌شود، سبک

با توجه به جدول ۴، میانگین نمره سبک هویتی اطلاعاتی در میان افراد ایمن حدود ۴۰/۳ است که این مقدار بیش از میانگین نمره این سبک اطلاعاتی در میان افراد اجتنابی (۳۳/۹۶) و دوسوگرا (۳۴/۹۶) است. با توجه به اینکه ($F = ۱۰/۶۴, P < ۰/۰۱$)، بنابراین تفاوت میانگین‌ها معنی‌دار است.

میانگین نمرات سبک هویتی هنجاری در میان افراد اجتنابی حدود ۳۳/۴۸ است که این مقدار، بیش از میانگین نمرات این سبک هویتی در میان افراد ایمن (۲۹/۹۳) و دوسوگرا (۲۸/۷) است. با توجه به اینکه ($F = ۵/۲, P < ۰/۰۱$)، بنابراین تفاوت میانگین‌ها معنی‌دار است؛ همچنین میانگین نمرات سبک هویتی سردرگم در میان افراد دوسوگرا حدود ۲۹/۶۸ است که این مقدار، بیش از میانگین نمرات این سبک هویتی در میان افراد اجتنابی (۲۷/۵۷) و ایمن (۲۳/۵۲) است. با

دلبستگی ایمن تأثیری مثبت و معنی‌دار به اندازه ۰/۲۴ بر سبک هویتی اطلاعاتی دارد ($P < ۰/۰۱$, $Beta = ۰/۲۴$)؛ بنابراین به‌ازای یک واحد تغییر در انحراف استاندارد متغیر پیش‌بین اجتنابی، انحراف استاندارد متغیر وابسته (سبک هویتی اطلاعاتی) ۰/۲۸- واحد تغییر می‌کند؛ اما سبک دلبستگی دوسوگرا همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، تأثیری معنی‌دار بر سبک هویتی اطلاعاتی نداشته‌است ($P > ۰/۰۵$, $Beta = -۰/۱۶$).

جدول ۶. تحلیل رگرسیون چندمتغیری برای پیش‌بینی سبک هویتی هنجاری بر اساس سبک‌های دلبستگی

منبع تغییرها	d.f	SS	MS	F	Sig	R	R ²	B	Beta	خطای معیار	t
رگرسیون	۱	۴۷۵/۳۴۶	۴۷۵/۳۴۶	۱۶/۶۳	۰/۰۰۱	۰/۳۱	۰/۱				
باقی‌مانده	۱۴۸	۴۲۲۹/۱۹۴	۲۸/۵۷۶								
مجموع	۱۴۹	۴۷۰۴/۵۴۰									
مقدار ثابت					۰/۰۰۱			۴۱/۱۲۵	-	۲/۶۲	۱۵/۶۸
ایمن					۰/۰۰۱			-۰/۴۹	-۰/۳۱	۰/۱۲	-۴/۰۴
اجتنابی					۰/۹۱			-۰/۱۲۴	۰/۰۴۲	۰/۱۷۲	-۰/۱۰
دوسوگرا					۰/۶۲			-۰/۱۱۲	۰/۰۴۱	۰/۱۳۸	-۰/۴۸

متغیرهای پیش‌بین: سه سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا
متغیر وابسته: سبک هویتی سردرگم

نتایج تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام ارائه شده در جدول ۶ نشان می‌دهد که نمرات سبک هویتی هنجاری در سه سبک دلبستگی (ایمن، اجتنابی و دوسوگرا) با یکدیگر تفاوتی معنی‌دار دارند ($F = ۱۶/۶۳$, $P < ۰/۰۱$). با توجه به مقدار R^2 ، سبک‌های دلبستگی می‌توانند ۱۰٪ سبک هویتی هنجاری افراد را پیش‌بینی کنند ($R^2 = ۰/۱$).

نتایج تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام ارائه شده در جدول ۷ نشان می‌دهد که نمرات سبک هویتی سردرگم در سه سبک دلبستگی (ایمن، اجتنابی و دوسوگرا) با یکدیگر تفاوتی معنی‌دار دارند ($F = ۴۳/۷۱$, $P < ۰/۰۱$). با توجه به مقدار R^2 سبک‌های دلبستگی می‌توانند ۳۷٪ سبک هویتی سردرگم افراد را پیش‌بینی کنند ($R^2 = ۰/۳۷$)؛ به‌منظور واریسی میزان و جهت سبک‌های دلبستگی بر سبک هویتی سردرگم ضرایب رگرسیون نیز واریسی شدند؛ نتیجه این بررسی در جدول ۷ آمده‌است. همان‌طور که در این جدول ۷ مشاهده می‌شود، سبک دلبستگی ایمن تأثیری منفی و معنی‌دار به اندازه ۰/۳۱- بر سبک هویتی هنجاری دارد ($P < ۰/۰۱$, $Beta = -۰/۳۱$)؛ بنابراین به‌ازای یک واحد تغییر در انحراف استاندارد متغیر پیش‌بین ایمن، انحراف استاندارد متغیر وابسته (سبک هویتی اطلاعاتی) ۰/۳۱- واحد تغییر می‌کند؛ اما همان‌طور که در جدول ۶ مشاهده می‌شود، سبک دلبستگی

نتایج تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام ارائه شده در جدول ۷ نشان می‌دهد که نمرات سبک هویتی سردرگم در سه سبک دلبستگی (ایمن، اجتنابی و دوسوگرا) با یکدیگر تفاوتی معنی‌دار دارند ($F = ۴۳/۷۱$, $P < ۰/۰۱$). با توجه به مقدار R^2 سبک‌های دلبستگی می‌توانند ۳۷٪ سبک هویتی سردرگم افراد را پیش‌بینی کنند ($R^2 = ۰/۳۷$)؛ به‌منظور واریسی میزان و جهت سبک‌های دلبستگی بر سبک هویتی سردرگم ضرایب رگرسیون نیز واریسی شدند؛ نتیجه این بررسی در جدول ۷ آمده‌است. همان‌طور که در این جدول ۷ مشاهده می‌شود، سبک دلبستگی ایمن تأثیری منفی و معنی‌دار به اندازه ۰/۳۳- بر سبک هویتی سردرگم دارد ($P < ۰/۰۱$, $Beta = -۰/۳۳$). بنابراین به‌ازای یک واحد

سردرگم، انحراف استاندارد متغیر وابسته (سبک هویتی سردرگم) ۰/۴۴ واحد تغییر می‌کند؛ اما سبک دلبستگی اجتنابی همان‌طور که در جدول ۷ مشاهده می‌شود، تأثیری معنی‌دار بر سبک هویتی درگم نداشته‌است ($P > 0.05$, $Beta = 0.05$).

تغییر در انحراف استاندارد متغیر پیش‌بین ایمن، انحراف استاندارد متغیر وابسته (سبک هویتی سردرگم) ۰/۳۳- واحد تغییر می‌کند؛ همچنین سبک دلبستگی دوسوگرا تأثیری مثبت و معنی‌دار به اندازه ۰/۴۴ بر سبک هویتی سردرگم دارد ($P < 0.01$, $Beta = 0.44$)؛ بنابراین به‌ازای یک واحد تغییر در انحراف استاندارد متغیر پیش‌بین

جدول ۷. تحلیل رگرسیون چندمتغیری برای پیش‌بینی سبک هویتی سردرگم براساس سبک‌های دلبستگی

منبع تغییرها	d.f	SS	MS	F	Sig	R	R ²	B	Beta	خطای معیار	t
رگرسیون	۲	۳۴۱۱/۰۹۶	۱۷۰۵/۵۴۸	۴۳/۷۱	۰/۰۰۱	۰/۶۱	۰/۳۷				
باقی‌مانده	۱۴۷	۵۷۳۵/۵۹۷	۳۹/۰۱۸								
مجموع	۱۴۹	۹۱۴۶/۶۹۳									
مقدار ثابت					۰/۰۰۱			۳۰/۴۴۹	-	۳/۷۹	۸/۰۲
ایمن					۰/۰۰۱			-۰/۷۳	-۰/۳۳	۰/۱۴	-۵/۰۷
اجتنابی					۰/۰۰۱			۰/۵۴	۰/۴۴	۰/۰۸	۶/۶۶
دوسوگرا					۰/۴۹			۰/۱۵	۰/۰۵	۰/۱۳	۰/۶۸

متغیرهای پیش‌بین: سه سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا / متغیر وابسته: سبک هویتی سردرگم

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر از ارتباط میان سبک‌های دلبستگی و هویت حکایت می‌کند که با مبانی نظری دیدگاه دلبستگی دربارهٔ هویت هماهنگی دارد. طبق مبانی رشد هویت، تجارب کودکی و نوجوانی، اساس رشد شخصیت یکپارچه در انسان است.

یافته دیگر این پژوهش این بود که میان جنس و سبک دلبستگی رابطه‌ای معنی‌دار وجود ندارد که این یافته با یافته پژوهش بشارت و همکاران همسو است (۱۴). در تبیین این یافته می‌توان گفت که دلبستگی به‌عنوان یک نیاز، نخستین آمادگی‌های زیستی لازم را در زمینه رفتارهای دلبستگی در دو سوی این رابطه (کودک و مادر) بدون توجه به جنسیت نوزاد فراهم می‌سازد؛ یافته دیگر این بود که در هر دو جنس، سبک دلبستگی ایمن دارای فراوانی بیشتری بود؛ در تبیین این یافته می‌توان گفت: درحالی‌که متغیرهای زیست‌شناختی، ارزش حیاتی و تعامل سازنده رابطه مادر-کودک، در

خدمت شکل‌گیری و تقویت دلبستگی ایمن فعالیت می‌کنند، فراهم آمدن شرایطی که براساس آن، آمادگی‌های زیستی در دو سوی رابطه مختل شود و مهم‌تر از آن، ارزش حیاتی و رفتارهای دلبستگی ایمن کاهش یابد، همواره دشوار و نادر خواهد بود؛ این وضعیت کاهش فراوانی سبک‌های نایمن (اجتنابی و دوسوگرا) را در هر دو جنس توجیه می‌کند.

یافته دیگر مطالعه این بود که درصد سبک هویتی اطلاعاتی در میان مردان بیشتر از زنان است و این در حالی است که درصد سبک هویتی هنجاری در میان زنان بیشتر است؛ در تبیین این یافته می‌توان فضای بازتر خانوادگی و اجتماعی برای پسران و محدودیت‌های بیشتر برای دختران را عامل مهم این شرایط تلقی کرد.

میان سبک دلبستگی ایمن و سبک هویتی اطلاعاتی رابطه مثبت معنی‌دار وجود دارد؛ این یافته همسو با مطالعات بنسون، هریس و راجرز^۱ است (۱۵)؛ مطالعات

که دلبسته‌های ایمن راحت‌تر، مسیر کسب هویت را طی می‌کنند و اینکه دلبستگی ایمن، عامل پیشگیرانه کسب هویت سردرگم در زنان است (۱۹). در تبیین یافته‌های پژوهش می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

رشد هویت به کشف و تمایز ارزش‌ها و استانداردهایی منجر می‌شود که برای خود، مهم هستند و با یک دوره یکپارچه‌سازی دنبال می‌شود. از نظر اریکسون^۶ جستجوی هویت در خدمت کارکرد یکپارچه‌سازی نیروی خود است که تا دوره جوانی برای حمایت از صمیمیت و تعهد در روابط جنسی و عملکردهای تکوینی دیگر ادامه می‌یابد (۲۰). مورتی و هیگینس^۷ عقیده دارند که دلبستگی میان نوجوان و والدینش زمینه بین‌فردی مهمی است که در آن، رشد خود هویدا شده، تعیین‌کننده اصلی سازگاری نوجوان است (۲۱).

تحقیق‌ها نشان داده‌اند نوجوانانی که مشکلات هویتی داشته‌اند، عدم اعتمادهای عمیق زیربنایی را در علائق یا ظرفیت مراقبیشان برای در دسترس و مسئولیت‌پذیر بودن در مقابل نیازهای دلبستگی آنها تجربه کرده‌اند، و در مقایسه با افراد ایمن نسبت به خود، دیدگاه درونی بی‌محتوا و منفی دارند. ناایمنی در الگوهای دلبستگی و کمبود خودارزایی مثبت و یکپارچه، مشکلات زیادی را در رشد خود مختاری آنها ایجاد می‌کند (۲۲). دلبستگی ایمن به پرورش خودمختاری و اعتماد به نفس در فرد منجر می‌شود؛ در واقع، دلبستگی ایمن و خودمختاری دو روی یک سکه هستند. مطالعات نشان داده‌اند که دلبستگی ایمن با احساس مثبت و منسجم نسبت به خود مرتبط است؛ در واقع، هر قدر ارتباطات فرد، ایمن‌تر باشند، او مستقل‌تر و متفاوت‌تر عمل می‌کند. از آنجاکه بهره‌مندی از توان اکتشاف‌گری و جوارجویی دو ویژگی

آنها نشان‌دهنده است که افراد دارای سبک دلبستگی ایمن از سطوح بالاتری از رشد هویتی بهره‌مندند. یافته‌های مطالعه روی ۹۱ دانشجوی نشان‌دهنده است که افراد دارای دلبستگی ایمن، هویت موفق‌تری را کسب می‌کنند. وگن سن، هووگ و برگیوس^۱ با مطالعه روی ۷۹ دانشجوی دریافته‌اند که افراد با هویت منسجم دارای سطوح بالاتری دلبستگی ایمن و افراد دارای هویت سردرگم - پراکنده، سطوح بالاتری از دلبستگی بیمناک را نشان داده‌اند (۱۶ و ۱۷).

میان سبک دلبستگی ایمن و سبک هویتی سردرگم نیز رابطه‌ای معنی‌دار و منفی وجود دارد، این یافته با نتایج پژوهش‌های زیر همسو است. کنیدی^۲ با مطالعه روی ۲۲۵ دانشجوی کالج پسران دریافت (با اصطلاحات مراحل رشد هویت نظریه ماریا) که افراد دارای هویت سردرگم، نسبت به افراد دلبسته ایمن، بیشتر دارای سبک دلبستگی بیش‌مشغول و بیمناک بودند (۱۷)؛ در واقع، افراد دلبسته ایمن نسبت به این دو سبک، نمراتی بالاتر در کسب هویت منسجم داشتند. ریچ و سیگال^۳ روی ۱۶۱ دانشجوی دانشگاهی تحقیق کرده، دریافته‌اند که رشد خود^۴ بالاتر در اولین مراحل شش‌گانه رشد روانی-اجتماعی اریکسون، با سبک دلبستگی ایمن ارتباط دارد (۱۸). نتایج مطالعه باکر نشان داد که دلبستگی ایمن با هویت منسجم، رابطه‌ای مثبت و با هویت ضبط‌شده ارتباط منفی معنادار دارد. دلبستگی اجتنابی با انکار و جداسازی روانی، ارتباط مثبت معنادار و با جستجوی حمایت اجتماعی ارتباط منفی معنادار دارد. افراد با نمره دلبستگی اجتنابی بالا، بیشتر مستعد نمرات بالاتر در هویت آشفته بودند و به احتمال، دسترسی کمتری به حمایت اجتماعی داشته، از آن رضایت‌نداشتند. دوسوگرهای اضطرابی با انکار مشکلات، سوءمصرف مواد، الکلیسم و مشکلات رفتاری و روانی ارتباط مثبت و با فعال بودن و برنامه‌ریزی که راهبردهای مقابله‌ای پیشگیرانه هستند، ارتباط منفی دارد (۱۱). در پژوهش سامولیس، لیورن و شیافینو^۵ با دانشجویان کالج مشخص شد که رشد هویت با دلبستگی ارتباط دارد. به نظر می‌رسد

1- Vogensen, Hoegh & Bourgeois

2- Kennedy

3- Reich & Siegel

4- ego

5- Samuolis, Layburn & Schiaffino

6- Erikson

7- Moretti & Higgins

شالوده‌روانی در افراد ایمن، تعهد آنها به جهان‌بینی، نقش، شغل و حرفه فردی‌شان را بدون احساس شرم، گناه یا پشیمانی از برآورده‌نکردن انتظارات دیگران، تسهیل می‌کند که چنین فرایندی، شکل‌گیری سبک هویتی اطلاعاتی را در افراد فراهم می‌کند؛ در مقابل، افراد دارای دلبستگی ناایمن، به‌طور کلی در کاوشگری و به‌ویژه در جستجو برای هویت شخصی، بسیار مشکل‌دارند که ممکن است به سبک هویتی هنجاری و سردرگم-اجتنابی منجر شود (۲۶).

یافته‌های این پژوهش، بار دیگر، نقش اساسی دلبستگی را در زمینه رشد انسان و این بار در کسب هویت نشان می‌دهد. دلبستگی نوجوان با والدین و همسالان، میانجی هویت فردی و اجتماعی او است که از طریق فراهم‌بودن پناهگاه امن در مسیر رشد مهمی می‌شود (۲۰). نمونه پژوهش حاضر به قشر دانشجویی که بیشتر در سن جوانی بودند اختصاص داشت؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود که رابطه میان سبک‌های دلبستگی و هویت در گروه‌های سنی پایین‌تر (مقاطع تحصیلی راهنمایی و دبیرستان) مورد مطالعه قرار گیرد تا چشم‌اندازی مناسب‌تر را در حوزه روان‌شناسی رشد هویت در رابطه با سبک‌های دلبستگی فراهم‌سازد و دیگر اینکه با استفاده از مبانی نظریه دلبستگی در سایر حوزه‌های فردی و خانوادگی پژوهش‌هایی دیگر انجام شوند.

تشکر و قدردانی

بدین وسیله از همکاری مسئولان دانشگاه بوعلی‌سینا و همه دانشجویان و همکارانی که در انجام این پژوهش، مساعدت‌های لازم را انجام دادند، صمیمانه قدردانی می‌شود.

افراد دارای دلبستگی ایمن به‌شمار می‌روند (۲۲ و ۲۳)، دلبستگی ایمن، اساس ایمنی را برای فرد مهیامی‌سازد که به‌واسطه آن، می‌تواند دنیای خویش‌تن را کشف کرده، پاسخ‌های سازگارانه‌تری به محیط اطراف خود بدهد؛ وجود چنین اساس ایمنی، افراد را به اکتشاف و گشودگی شناختی نسبت به اطلاعات جدید تشویق می‌کند (۲۴)؛ این اساس ایمن، اعتماد به نفس لازم را برای خطر کردن، آموختن و به‌روز کردن مستمر مدل‌های خود، دیگران و دنیا فراهم می‌سازد. به احتمال، احساس ایمنی، توانایی تجربه‌پذیری و در صورت لزوم، انعطاف لازم برای تغییر بخش‌هایی از زندگی را در فرد ایجاد می‌کند (۲۵)؛ از سوی دیگر میل به کاویدن محیط، کار کردن، کشف کردن، خلق کردن و شرکت کردن در فعالیت‌های مختلف با همسالان، مانند مراقبت و دلبستگی به‌عنوان یکی از بخش‌های اساسی سرشت انسان مورد توجه قرار می‌گیرد. طبق نظریه دلبستگی، کاوش حقیقی، به احتمال، فقط زمانی که نیازهای دلبستگی ارضاشده باشند، رخ خواهد داد (۵). زمانی که فردی با هر سنی احساس اطمینان و امنیت می‌کند، ممکن است چیزی فراتر از نگاره‌های دلبستگی (یا مراقبت‌های حساس) را کاوش کند و احساس امنیت کافی برای کاویدن محیط و مبارزه‌طلبی داشته باشد و به اکتشاف دست‌زند که موجبات رشد هویت را فراهم می‌کند.

بنابراین افراد دارای دلبستگی ایمن در مواقع بررسی گزینه‌ها و کاوش موقعیت‌ها، احساس اطمینان می‌کنند و اغلب منابع و توانایی کافی برای سازمان‌دهی اطلاعات تازه و پیگیری اهداف جدید خویش‌تن را در اختیار می‌گیرند؛ چنین افرادی حتی در مواقعی که دیدگاه خانوادگی خود را مورد تردید قرار می‌دهند و حاضر نمی‌شوند چنین دیدگاه‌هایی را بدون بررسی به هویت خود وارد کنند، باز هم احساس ارزشمندی، مقبول و دوست‌داشتنی بودن می‌کنند؛ در واقع چنین نگرش مثبتی به خویش‌تن، ریشه در حمایت و پذیرش غیرمشروط گذشته از جانب والدین آنان دارد که احساس مستحکم خودگردانی و آزادی عمل را برای آنها به ارمغان می‌آورد؛ وجود چنین

منابع

۱۳. غضنفری، احمد (۱۳۸۶): *اعتباریابی و هنجاریابی پرسش‌نامه سبک هویت (ISI-6G)*، مطالعات تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه فردوسی، ۵: (۱).
۱۴. بشارت، محمدعلی، محمد گلی‌نژاد و علی اصغر احمدی (۱۳۸۲): *بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و مشکلات بین شخصی، اندیشه و رفتار*، ۸(۴): ۷۴-۸۱.
15. Benson, M. J., Harris, P. B., & Rogers, C. S. (2002). Identity consequences of attachment to mothers and fathers among late adolescents. *Journal of Research on Adolescents*, 2, 187-204.
16. Vogensen, A. C. (2003). Finding themselves: Identity formation and romantic attachment styles in late adolescence. *Dissertation Abstracts International*, Section B: The Sciences & Engineering, 64(3-B), 1529.
17. Kennedy, J. H. (1999). Romantic attachment and ego identity, attributional style, and family of origin in first-year college students. *College Student Journal*, 33, 171-180.
18. Reich, W. A., & Siegel, H. I. (2002). Attachment, ego-identity development and exploratory interest in university students. *Asian Journal of Social Psychology*, 5, 125-134.
19. Samuolis, J., Layburn, K., & Schiaffino, K. M. (2001). Identity development and attachment to parents in college students. *Journal of Youth and Adolescence*, 30 (3), 373-383.
20. Erikson, E. (1963). *Identity: Youth and Crisis*. New York: Norton.
21. Moretti, M. M., & Higgins, E. T. (1999). Own versus other standpoints in self-regulation: developmental antecedents and functional consequences. *Review of General Psychology*, 3, 188-223.
۲۲. جانسون، سوزان، ویفن و آلری (۱۳۸۷): *فرایندهای دلبستگی در زوج‌درمانی و خانواده‌درمانی*: ترجمه فاطمه بهرامی و همکاران؛ تهران: دانژه.
23. Cassidy, J. (1988). Child-mother attachment and the self in six-year olds. *Child Development*, 59, 121-134.
24. Mikulincer, M. (1998). Attachment working models and the sense of trust: An exploration of interaction goals and affect regulation. *Journal of Personality and Social Psychology*, 74, 1209-1224.
1. Kroger, J. (2000). *Identity development: Adolescence through adulthood*. Thousand Oaks, California: Sage Publication.
۲. شولتز، دوان (۱۳۸۶): *نظریه‌های شخصیت*: ترجمه یوسف کریمی و همکاران؛ تهران: ارسباران.
۳. حجازی، الهه و سهیلا فرتاش (۱۳۸۵): «بررسی رابطه سبک‌های هویت، تعهد هویت و کیفیت دوستی»، *مجله پژوهش زنان*، ۴(۳): ۶۱-۷۶.
۴. جوکار، بهرام و مرتضی لطیفیان (۱۳۸۵): «رابطه ابعاد هویت و جهت‌گیری هدف»، *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، ۲۵(۴).
5. Bowlby, J. (1988). *A secure base: Parent-child attachment and healthy human development*. New York: Basic Books.
۶. عبدی، رقیه و زینب خانجانی (۱۳۸۵): «بررسی رضایت ناشویی در سبک‌های مختلف دلبستگی»، *فصلنامه روان‌شناسی دانشگاه تبریز*، ۱(۲).
7. Feeney, J. A., Noller, P., & Patty, J. (1999). Adolescents' Interactions with the Opposite Sex: Influence of Attachment Style and Gender. *Journal of Adolescence*, 16, 169-186.
۸. نصرتی، محمد، محمدعلی مظاهری و محمود حیدری (۱۳۸۵): «بررسی تحولی پایگاه‌های هویت با میزان دلبستگی ایمن پسران نوجوان ۱۴، ۱۶ و ۱۸ ساله به والدین و همسالان»، *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۲(۵): ۳۵-۵۳.
9. Avila, M., Cabral, J., & Matos, P. M. (2011). Identity in university students: the role of parental and romantic attachment. *Journal of adolescence*.
10. Arseth, A., Kroger, A., Martinussen, M., & Marcia, E. J. (2009). Meta-analytic studies of identity status and the relational issues of attachment and intimacy, *Identity. International Journal of Theory and Research*, 32-91.
11. Baker, J. K. (2006). *The Impact Of Attachment Style On Coping Strategies, Identity Development And The Perception Of Social Support*. Master of Arts thesis, University of Canterbury.
۱۲. خوی‌نژاد، غلامرضا (۱۳۸۰): *روش‌های پژوهشی در علوم تربیتی*، تهران: سمت.

26. Ávila, M., Cabral, J., & Matos, P. M. (2012). attachment, Identity in university students: The role of parental and romantic. *Journal of Adolescence* , 35, 133–142.
25. Bar-Haim, Y., Sutton, D. B., Fox, N. A., & Marvin, R. S. (2000). Stability and change of attachment at 14, 24, and 58 months of age: behavior, representation, and life events. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 41, 381-388.